

مروری بر مفهوم شهر خلاق با تأکید بر سنجش وضعیت خلاقیت شهری (نمونه موردی: مناطق ۳ گانه قزوین)^۱

خضر شمسی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
زینب کرکه آبادی* - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
سعید کامیابی - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸

چکیده

ریچارد فلوریدا نظریه پرداز شهر خلاق معتقد است شهرها ظرف بروز خلاقیت بوده و همیشه چرخ‌های حرکت، تمرکز و هدایت انرژی خلاق بشر بوده‌اند؛ بنابراین پژوهش حاضر سعی بر آن داشته که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی وضعیت خلاقیت شهر قزوین را مورد سنجش قرار دهد، که جهت انجام آن با بهره‌گیری از داده‌های ثانویه و تهیه پرسش‌نامه از شهروندان به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و در امتداد آن با استفاده از مدل‌های AHP، Topsis و نرم‌افزار SPSS سعی شده است شاخص‌های شهر خلاق را در مناطق ۳ گانه شهر قزوین با سه فرضیه مورد تحلیل قرار گیرد. در آخر فرضیه سوم، مبنی بر اینکه شهر قزوین طی چند سال گذشته به سمت انطباق بیشتر با معیارهای شهر خلاق حرکت نموده است. با استفاده از نتایج به دست آمده توسط تکنیک تاپسیس معنی‌داری فرضیه سوم رد گردید. در نهایت از ۳ فرضیه مطرح شده ۲ فرضیه تأیید و ۱ فرضیه رد شد. بنابراین می‌توان گفت: شهر قزوین پتانسیل لازم جهت حرکت به سمت شهر خلاق را داراست هرچند که این روند از سال ۱۳۹۲ دچار رکود گشته است اما با توجه به ظرفیت‌های خلاقیت شهر قزوین، پیشنهاد می‌گردد که؛ نسبت به تقویت زمینه‌ای که اقبال جهانی بیشتر در آن وجود دارد اقدام گردد.

واژگان کلیدی: شاخص، شهر خلاق، مدل‌های کمی، فضاهای باز و جمعی، شهر قزوین

نحوه استناد به مقاله:

شمسی، خضر، کرکه آبادی، زینب، کامیابی، سعید. (۱۳۹۷). مروری بر مفهوم شهر خلاق با تأکید بر سنجش وضعیت خلاقیت شهری (نمونه موردی: مناطق ۳ گانه قزوین). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۳ (۲)، ۴۲۵-۴۴۱. http://jshsp.iurasht.ac.ir/article_543093.html

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان با عنوان "ارزیابی مناطق شهر قزوین به لحاظ شاخص‌های شهر خلاق با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی منطقی" می‌باشد.

مقدمه

تمدن بشری در آغاز قرن بیست و یکم با شتاب بیشتری به سوی شهری شدن می‌رود به طوری که جهان بیشتر و بیشتر در حال تبدیل شدن به دنیایی از شهرهاست (Dahlman et al, 2013: 126). شهرهایی که تا سال ۲۰۰۵ بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده بودند (Grimm et al, 2008: 756). و این آمار در سال ۲۰۰۷ به حدود ۶۰ درصد از کل جمعیت دنیا افزایش یافته است، در حالی که در سال ۱۹۰۰ صرفاً ۱۰ درصد جمعیت

دنیا در شهرها زندگی می‌کردند. افزایش این جمعیت در شهرها و همراه شدن با مسائل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی باعث شده است که موضوع توجه به توسعه شهرها از اهمیت زیادی برخوردار شود و به نوعی می‌توان گفت که منبع اصلی توسعه کشورها، شهرها شده‌اند (Meshkiny et al, 2013: 8).

تحول فعالیت‌های اقتصادی که جهانی شدن مسبب آن بوده است و مشخصه آن ترکیبی از بخش‌های کلیدی با ارزش افزوده بالا از خلاقیت و دانش است. در این زمینه، شهرها و مناطق شهری با استفاده از پارامترهای جدید رقابتی که معمولاً نیاز به تجدید نظر در استراتژی‌های سنتی دارند، می‌توانند با کشف الگوهای نوآورانه اقتصادی و اتخاذ رویکردهای جدید رقابتی جهت بقا در عرصه بین‌المللی به فعالیت بپردازند. در دهه‌های اخیر اغلب شهرهای جهان یک تغییر قابل ملاحظه‌ای در یکسری فعالیت‌های بهبود منطقه‌ای از نوع رقابت شهری، از جمله ایجاد و یا جذب آن‌ها را تجربه کرده‌اند (Pareja-Eastaway & Pradel i Miquel, 2014: 2-3). در عصر پسامدرن، اقتصاد فرهنگی نقش حائز اهمیتی در توسعه اقتصادی شهرهای جهان دارد. شاهد این امر حضور پررنگ متغیرهای اقتصاد فرهنگی در برنامه‌های تحول اقتصادی شهرهای جهان است (Ashtary & Mahdnzhad, 2012: 3). طوری که شهرهای جهانی در چارچوب اقتصاد جهانی به عنوان گره شبکه‌ها به شدت با یکدیگر در رقابت هستند و هر یک سعی می‌کنند در ساختار سلسله مراتبی خود را ارتقاء دهند و فرصت‌های بیشتری را به سوی خود جذب کنند. (Mokhtarimalek, 2014: 106).

در قرن بیست و یکم شاهد تغییرات شگرفی در شهرها هستیم، طوری که اقتصاد مراکز شهری، از فعالیت‌های تولیدی به فعالیت‌های بخش خدمات وابسته شده‌اند (Richards & Wilson, 2006: 220). به موازات این تغییر معیارهای ارزیابی موفقیت مکان‌ها نیز تغییر یافته است، طوری که در جهان امروز، شهری موفق است که بر روی بخش سوم تولید که شامل بانکداری، فناوری و فعالیت‌های خلاق متمرکز شده باشد (Currid, 2006: 336)؛ بنابراین ضروری است که سیستم‌های فعلی اقتصادی، فضایی و فرهنگی شهرها به آسانی بتوانند با اقتصاد جدید منطبق شوند. شهرها، بزرگ یا کوچک، باید پذیرنده بهترین ایده‌های خلاقانه و استعدادها از سراسر شهرهای جهان باشند. برای رقابت‌پذیری، شهرها نیازمند هدف‌گذاری در زمینه نحوه استفاده از کارایی و تأثیرگذاری همه منابع خود از جمله منابع اقتصادی، سیاسی و به‌ویژه منابع فرهنگی خود هستند. شهرها برای اینکه موفق باشند و یک مزیت رقابتی بلندمدت و پایدار را به دست آورده و حفظ کنند، نباید پتانسیل خلاقیت و فرهنگی خود را فراموش کنند (Suciu, 2009: 83). این موضوع نشان‌دهنده تغییر نگرش در مورد فضای شهری و نیروهای هدایت‌کننده توسعه شهر است. (Landry & Bianchini, 1995: 25).

در توصیف معادل لاتین خلاقیت (Creativity) در فرهنگ‌های لغت Oxford و Longman چنین آمده است: "توانایی استفاده از قدرت تخیل برای تولید ایده‌های جدید، ساخت چیزها و غیره، ...". و "استفاده از قدرت تخیل یا ایده‌های اصیل برای خلق چیزی؛ ابتکار، استفاده از قدرت تخیل، یا ایده‌های اصیل، به‌ویژه در تولید یک کار هنری". با توجه به این تعاریف، به نظر می‌رسد قدرت خیال‌پردازی عنصری جدانشدنی از مفهوم خلاقیت است. اگر از تخیل برای خلق چیزی استفاده شود، خلاقیت ظهور می‌کند (Ghafele Mobarakeh, 2013: 4). خلاقیت فرآیندی است که دانش جدیدی را به ارمغان می‌آورد که به وسیله آن، عناصر نامربوط درهم آمیخته شده دانش، دیدگاه جدیدی را از طریق فرایندهای ذهنی به وجود می‌آورد (Garmsiri & Khosropour, 2012: 7). همچنین انعطاف‌پذیری، نوآوری، خطرپذیری و رهبری را می‌توان از اصول خلاقیت برشمرد. طوری که ارتباط بین خلاقیت و سطح توسعه شهری، شناخت نقش و اهمیت توسعه سرزمینی و افزایش قدرت رقابت از طریق جذب طبقه خلاق منجر به ظهور دیدگاه‌های متنوعی در این زمینه شده است (Ghorbani, 2013: 6).

اولین بار دوبر در سال ۱۹۶۷ مبحثی با عنوان "شهر تماشایی یا شهر نمایش" را مطرح کرد. نظر او ظهور پیش از موعد ایده تلفیق فضای اقتصادی و فرهنگی در مقیاس انسانی، به‌خصوص در موضوعاتی مانند فضاهای مولد جدید، مجموعه‌های فرهنگی و

به نمایش درآوردن محیط‌های بصری که در مادر شهرهای اصلی سراسر جهان بسیارند، می‌باشد. اولین کسی که بحث مناطق و شهرهای خلاق را مطرح کرد، ریچارد فلوریدا است. او در سال ۲۰۰۲ اولین کتاب خود را با عنوان طبقه خلاق و پس از آن در سال ۲۰۰۵ کتاب دیگری را برای تقویت موضوعش منتشر کرد. در سال ۲۰۰۷ نیز آلن اسکات با استفاده از ادبیاتی که ریچارد فلوریدا مطرح کرده بود، مباحثی را در ارتباط با شهرها و مناطق خلاق مطرح می‌کند (Khosravy, 2010:113). در این راستا از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، با مطرح شدن ایده "شهرخلاق"، این استراتژی جدید در زمینه تجدید حیات شهرهای صنعتی قدیمی، ایده‌ای پیشرو برای برنامه‌ریزان توسعه شهری و اقتصادی محسوب می‌شود که در این جوامع گسترش این ایده به‌طور فزاینده‌ای ابزارهای توسعه در زمینه‌های فرهنگ و هنر را به گردش وامی‌دارد (Markusen, 2006: 1). طوری که امروزه در رقابت جهانی شهرها، فرهنگ، تفریحات، مصرف و امکانات شهری نقشی مهم در تقویت جایگاه شهرها ایفا می‌کنند (Clark, 2004: 16). داشتن شهرخلاق، نهایت آرزوی هر جامعه مدرن است. شهرخلاق فضایی است که در آن فعالیت نو رخ می‌دهد. شهرخلاق در قرن ۲۱ به معنای شهروندان خلاق است. مسئولان شهری در شهرخلاق خدمات همگانی و زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی را به نوین‌ترین، کارترین، بهره‌ورترین و زیباترین روش ارائه می‌کنند. شهرخلاق نه تنها فضایی است که در آن خلاقیت رشد می‌کند، بلکه کل سازمان‌دهی و مدیریت آن به‌طور خلاقانه طرح‌ریزی می‌شود. شهری که بتواند به شکل خلاقانه استعداد همکاری جمعی را در راستای ارائه خدمات بیشتر به کار گیرد موفق‌ترین شهر در این قرن خواهد بود (Kalantry et al, 2012: 74). فلسفه شهرخلاق آن است که: در هر شهری همیشه ظرفیتی بسیار بیشتر از آنچه ما در وهله اول تصور می‌کنیم، وجود دارد. اگر بتوانیم شرایطی فراهم کنیم که مردم بتوانند بر اساس تخیلات بلند پروازانه فکر، برنامه‌ریزی و عمل کنند و فرصت‌های توسعه به‌طور مداوم تکامل یابد، می‌توانیم به تحقق شهرخلاق نزدیک‌تر شویم. این فرصت‌ها می‌توانند دربرگیرنده اقدام‌هایی برای تولید ثروت و افزایش بازده اقتصادی، ارتقای زیبایی‌های بصری در محیط شهری یا حل مسائل اجتماعی (از جمله بی‌مسکنی و بدمسکنی) باشند (Sahidi, 2010:5).

شهرخلاق، یک شهر نیرومند از لحاظ یادگیری فرهنگی و بین فرهنگی است. در این شهر، هر شهروند به استفاده از ظرفیت‌های علمی، فنی، هنری و فرهنگی خود اطمینان خاطر دارد (Ibrahimi, 2008: 65). نظریه شهرخلاق سعی دارد تا کیفیاتی را شرح دهد که تصویر ذهنی یک شهر را برای شهروندان، زیباتر و خاطره آن را ماندگارتر بنماید. در این نظریه خلاقیت به‌عنوان جزئی از هوش عمومی سنجیده می‌شود و در نتیجه افزایش توان نوآوری و تولید دانش در این راه از جمله شاخص‌های سنجش میزان پیشرفت اجتماعی به حساب می‌آید (AkbariMotlagh, 2013: 4).

شهرخلاق، شهری است که به دلیل اهمیت زیبایی‌شناختی و توانایی آن برای پرورش قوه ادراک و ارتباطات مورد احترام است؛ جایی که تنوع فرهنگی غنیمت شمرده شده و بیان خلاقیت در تمام اشکال آن مورد تشویق قرار می‌گیرد. مردم می‌توانند در زندگی روزمره خود از فعالیت‌های خلاق لذت ببرند (Duxbury, 2010: 76). مفهوم "شهرخلاق" ظاهراً از تجربه "شهر فرهنگی اروپا" و "پایتخت فرهنگی اروپا" که توسط اتحادیه اروپا در دهه ۱۹۸۰ به دست آمده بود ترویج و خلق شده است. با این حال، تعدادی از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که سیاست‌های شهرخلاق حتی پیش از آن از رقابت‌های کارآفرینی برای سرمایه‌گذاری سرچشمه گرفته‌اند (Sasajima, 2013). شهرخلاق مشخصاً، یک فرم و فرآیند شهرنشینی است که در آن خلاقیت در خط مقدم می‌ایستد. در اینجا، خلاقیت اشاره به فرآیندی دارد که "از طریق آن یک حوزه در بخش فرهنگ حالت نمادین پیدا می‌کند. تولد آهنگ‌های جدید، ایده‌های جدید، ماشین‌های جدید همان حدود خلاقیت است" (Csikszentmihalyi, 1997:8). در نتیجه، یک شهر خلاق و به تبع آن یک شهر جدید، باید منتج از یک تغییر تحول متعارف از راه‌های موجود و سودمحور توسعه شهری باشد (Jakob, 2010: 194).

در تئوری ریچارد فلوریدا، شهرخلاق مکانی برای رشد و نمو خلاقیت‌ها در دینامیک مناطق خلاق است، شهرخلاق مکانی برای شکوفایی خلاقیت‌های هنری، نوآوری‌های علمی و فن‌آوری و صدای رسای فرهنگ‌های رو به رشد است و جایی است که همه پتانسیل‌های خلاق خود را جامه عمل می‌پوشاند و پرچم‌دار فعالیت‌های فرهنگی و توسعه‌ای است. در این شهر، هر شهروند به استفاده از ظرفیت‌های علمی، فنی، هنری و فرهنگی خود اطمینان خاطر داشته و می‌داند که همواره حرکتی رو به رشد دارد (Javid et al, 2012: 107).

شهرخلاق مکانی برای رشد و نمو خلاقیت‌ها است. شهرخلاق منزلی برای خلاقیت‌های هنری، نوآوری‌های علمی و فناورانه و صدای رسای فرهنگ‌های رو به رشد است. شهری که همه پتانسیل‌های خلاق خود را جامه عمل می‌پوشاند و پرچم‌دار فعالیت‌های فرهنگی و توسعه‌ای است. شهرخلاق، یک شهر نیرومند از لحاظ یادگیری فرهنگی و بین فرهنگی است. در این شهر، هر شهروند به استفاده از ظرفیت‌های علمی، فنی، هنری و فرهنگی خود، اطمینان خاطر دارد. سیستم فرهنگی یک شهرخلاق متشکل از انبوهی از تجارت‌ها، سازمان‌ها، خلاقیت‌ها، مراسم و فستیوال‌ها است که مستعد کارآفرینی و خلاقیت‌ها است و شهر را قادر می‌سازد تا استعدادهای خود را در جهت ارتباط مردم، ایده‌ها و تشکلهای به کار ببندد. یک شهرخلاق باعث حرکت و جنبش همسایگان (حومه) خود شده و در فرآیند نمو خلاقیت آن‌ها را نیز با خود همراه می‌کند. در واقع این همسایگان پایه‌های تشکلهای پایدار شهرخلاق هستند. فرهنگ، عضوی بسیار مهم در کیفیت زندگی شهروندان یک شهرخلاق است؛ چراکه علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، عاملی برای جذب توریست و بالا بردن ارزش اقتصادی در زنجیره اقتصادی شهر است. آنچه در این میان مهم است، این‌که شهرخلاق بسیار به دیدگاه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی وابسته است و مفهوم مطلق نیست. در واقع با توجه به نوع ایده‌ها و فرهنگ است که مفهوم شهرخلاق مطرح می‌شود (Rafihyyan, 2010: 4). تا به امروز، شبکه شهرهای خلاق شامل ۳۴ عضو، در درجه اول از اروپا، امریکای لاتین و آسیا است. یونسکو متعهد به تشویق کاندیداهایی است که از مناطق تحت نمایندگی آفریقا و کشورهای عربی خواهان عضویت در این شبکه هستند می‌باشد (Bandarin, 2012: 327).

بر اساس اساسنامه ایجاد شبکه شهرهای خلاق اهداف این شبکه عبارت‌اند از:

۱. افزایش و ارتقاء راهکارهای خلق، تولید، توزیع و بهره‌مند شدن از کالا و خدمات فرهنگی در سطح محلی؛
۲. ترویج خلاقیت و خلاقه‌گری به‌ویژه در میان گروه‌های آسیب‌پذیر، از جمله زنان و جوانان؛
۳. بهبود دسترسی و مشارکت در زندگی فرهنگی و همچنین لذت بردن از محصولات فرهنگی؛
۴. یکپارچه کردن صنایع فرهنگی و خلاق در داخل برنامه‌های توسعه محلی؛ (Rosi, 2014:109).

آنچه برای هر دو نظریه سرمایه انسانی سنتی و مفهوم طبقه خلاق رایج است این فرض می‌باشد که مردم مستعد به مراتب از بقیه جمعیت فعال‌تر هستند و حفظ و جذب آن‌ها نقشی محوری در رشد اقتصادی دارد. در واقع، به عبارت امروزی فلوریدا، شرایط رقابت حول محور مرکزی یک ملت عبارت است از: "توانایی بسیج، جذب و حفظ مردم مستعد خلاقیت" (Faggian et al, 2014: 33).

در چند دهه اخیر شاهد افزایش نقش صنایع فرهنگی و خلاق در توسعه شهرهای جهانی بوده‌ایم. منشأ ترسیم این روند را می‌توان در دهه ۱۹۶۰، زمانی که اقتصاددانان اجتماعی نظیر "ادوارد بانفیلد و دانیل بل" چنین استدلال می‌کردند که دادن ارزش‌های فرهنگی به تولیدات، مشوق‌های زیادی برای رشد اقتصادی در پی دارد جستجو کرد (Zheng & Chan, 2014:9). در کل می‌توان گفت: تحولات بنیادی در زمینه نظریه‌پردازی شهرخلاق از دهه ۱۹۷۰ به بعد رخ داده‌اند و در اینجا تلاش می‌شود تا بدون پرداختن به جزئیات، یک مرور مختصر انجام گیرد. به علاوه دیدگاه‌های کلیدی و مکتب‌های جامعه‌شناختی آمریکایی از جمله مکتب شیکاگو، مکتب اقتصاد سیاسی و مکتب لوس آنجلس در این زمینه به اظهارنظر پرداخته‌اند. از میانه دهه ۱۹۹۰ به بعد، ابتدا در بریتانیا و سپس در آمریکا، مفهوم شهرخلاق به یک پارادایم معمول و یک مدل جدید از گرایش به برنامه‌ریزی سیاست‌های شهری تبدیل شده است. لندری؛ نظریه‌پرداز شهری و فلوریدا؛ اقتصاددان، نمایندگان اصلی این نظریه به تعریف مفهوم شهرخلاق پرداخته‌اند. شهرخلاق منزلی برای خلاقیت‌های هنری، نوآوری‌های علمی و فناورانه و صدای رسای فرهنگ‌های رو به رشد است. شهری که همه پتانسیل‌های خلاق خود را جامه عمل می‌پوشاند و پرچم‌دار فعالیت‌های فرهنگی و توسعه‌ای است (Ye, 2012). اهمیت موضوع نظریه شهر خلاق با مطالعه گسترده افرادی همچون اندرسون (۱۹۸۵)، مالبرگ و زندر (۱۹۹۶)، کورترایت (۲۰۰۱)، برجسته شد. پیترو هال (۲۰۰۰) در کتاب شهرها در تمدن، فرهنگ، خلاقیت و نظم شهری و همچنین کتاب شهرهای خلاق و توسعه اقتصادی و لندری (۲۰۰۰) در کتاب شهرخلاق؛ راهکارهایی برای خلاقان شهری در شهرها، به موضوع شهرخلاق پرداختند. هاسپرز (۲۰۰۳) نیز مقاله‌ای تحت عنوان شهرهای خلاق، مکان‌های پرورش در اقتصاد دانش، به چاپ رسانید. همچنین برای نخستین بار ریچارد فلوریدا (۲۰۰۲) اولین کتاب خود را با عنوان طبقات خلاق منتشر کرد و در کتاب دیگر خود (۲۰۰۵) درصدد تقویت مبانی موضوع طبقه خلاق برآمد (Li, 2005: 19). با تأکید می‌توان گفت: چاپ دو کتاب ریچارد فلوریدا؛ ظهور طبقه خلاق در سال (۲۰۰۲) و نیز فرازی از طبقه خلاق (۲۰۰۵)، به علاقه زیادی در میان اقتصاددانان و دانشمندان منطقه‌ای در

تجزیه و تحلیل مفاهیم مربوط به طبقه خلاق و سرمایه خلاق منجر شده است. وی طبقه خلاق را به طور مبسوطی بدین شرح توضیح می‌دهد "طبقه‌ای که متشکل از افرادی هستند که اضافه ارزش اقتصادی را از طریق خلاقیت خود تولید می‌کنند". این طبقه متشکل از متخصصین؛ مانند پزشکان، وکلا، دانشمندان، مهندسان، استادان دانشگاه و به‌ویژه، بوهیمنز مانند هنرمندان، موسیقیدانان و مجسمه‌سازان؛ اما چیزی که باعث ایجاد سرمایه خلاق در بین مردم گشته، این‌گونه تعریف می‌شود. "توانایی ذاتی انسان برای ایجاد ایده‌های جدید، فن‌آوری‌های جدید، مدل‌های کسب‌وکار جدید، اشکال فرهنگی جدید و صنایع کاملاً جدید واقعاً مهم" (Donovan & Batabyal, 2015: 1). ارزش حضور مردم به‌عنوان یک عامل حیاتی در شهرخلاق تا جایی پیش می‌رود که محققان بدین گونه بدان اشاره کرده‌اند: "شهرهای خلاق، افراد خلاق مدتی طولانی است که همراه بشر بوده‌اند. آتن باستان و فلاسفه آن مثالی ناب در این زمینه‌اند" (Andersson & Andersson, 2015: 1). در حال حاضر ادبیات مربوط به شهرخلاق در دنیا بسیار گسترده و به‌طور وسیع در حال رشد است و بسیاری از افراد و صاحب‌نظران در این باره به اظهارنظر پرداخته‌اند (Catungal & Leslie, 2009: 701). که در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین تحقیقات انجام‌شده پیرامون شهرخلاق جهت تبیین بهتر موضوع اشاره خواهد شد.

ساشا کاگان و ژولیا هان در سال (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "شهرخلاق و ناپایداری: از طبقه خلاق تا شهرخلاق پایدار" تلاش کرده‌اند تا با بررسی ایده‌های پنهان در پس تعریف شهرخلاق نشان دهند چگونه ممکن است نقدهای جامعه‌شناختی وارد بر فرهنگ ناپایدار و تعریف مفهوم شهرخلاق، موجب اصلاح ناپایداری شود. همچنین مفهومی از شهرخلاق را مورد بازتعریف قرار می‌دهند که بر اساس درک درستی از نقش هنرمند در فرهنگ پایدار شکل گرفته است. شهرهای خلاق و یا شهرهای پایدار: گفتمان‌ها و یا روش‌ها عنوان پژوهشی می‌باشد که (Eugen Ratiu, ۲۰۱۳) آن را باهدف بررسی مفاهیم شهرهای خلاق و پایداری و شفاف‌سازی مفهومی انجام داده است. وی نتیجه می‌گیرد که شهرخلاق و شهر پایدار دارای مفهوم مکمل می‌باشند که در نتیجه به هویت جمعی، تعلق اجتماعی و احساس عمیق‌تر نسبت به محل می‌انجامد. وانولو در مقاله‌ای در سال (۲۰۱۵) تحت عنوان "شهر فوردیستی و شهرخلاق: ارزیابی و بالندگی در تورین، ایتالیا" با ارزیابی دقیق این شهر به‌عنوان یکی از شهرهای صنعتی و تاریخی ایتالیا؛ نحوه جهش این شهر از عصر فوردیسم و تبدیل این شهر به یک شهرخلاق در زمینه صنایع اقتصاد فرهنگی بررسی کرده است. در این بین با تأکید بر اصل انعطاف‌پذیری نحوه چگونگی تبدیل این شهر با ساختار قدیمی صنعتی به یک شهر نوین را نشان داده است؛ و درنهایت با دست گذاشتن بر روی صنعت ماشین‌سازی کارخانه فیات در گذشته نزدیک در این شهر، شیوه گذر از یک شهر تک‌محصول صرف، به یک شهرخلاق با تنوع فراوانی از پتانسیل‌های اقتصاد فرهنگی اشاره کرده است. در سطح ملی و حتی منطقه مورد مطالعه نیز پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش شهرخلاق (مبانی نظری و شاخص) که توسط رحیمی و همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرد. نویسندگان که در این تحقیق به بررسی شهرخلاق از دیدگاه مبانی نظری، مفاهیم و شاخص‌ها پرداختند، نتیجه گرفتند که شهرهایی که دارای سابقه تاریخی، هنری، فرهنگی، ظرفیت‌های مذهبی، جاذبه‌های فرهنگی شامل موزه‌ها و نمایش‌نامه‌ها می‌باشند، با راه‌اندازی کریدور علم و فناوری و صنایع خلاق می‌توانند در جهت شهرخلاق حرکت کنند. کلانتری و همکاران (۱۳۹۱) مقاله‌ای به‌عنوان "فضای جمعی و شهرخلاق" را مورد پژوهش و بررسی قرار داده‌اند، آن‌ها در این پژوهش فضاهای عمومی را به‌عنوان موتور محرکه شهرخلاق معرفی می‌کنند. روش تحقیق توصیفی و پیمایشی است. نویسندگان مذکور، به نقش خلاقیت در رشد و شکل‌دهی اشاره و به این نکته تأکید کرده‌اند که با حذف محدودیت‌ها و موانع (فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی و...) از شهرها، خلاقیت تبدیل به نیروی محرکه رشد و توسعه اقتصادی شهرها، مناطق و ملت‌ها خواهد شد؛ و فضاهای شهری باید از شرایطی برخوردار باشند تا بتوانند سرمایه‌های انسانی خلاق و نوآور را جذب کنند و نتیجه پژوهش نشان داده که توجه به نقش و ارتقای وضعیت فضاهای عمومی از بدو پیدایش شهرها و به‌ویژه در طول پیش از یک سده گذشته همواره مورد توجه بوده است.

شهرهای ایران نیز طیف وسیعی از امکانات و خدمات را در خود جای داده‌اند که جاذب سرمایه خلاق بوده و زمینه مناسبی برای نگهداری و تأمین زندگی همراه با رفاه نسبی، در آن‌ها جهت جذب این طبقه فراهم است (Meshkiny et al, 2014: 2). با توجه به این مهم، بررسی پتانسیل و عملکرد شهرهای ایران در عرصه رقابت‌های فرهنگی و هنری بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردار است. دغدغه این است که چطور می‌توان گوشه‌ای از این تمدن غنی را فراتر از سمبل‌ها به شبکه فرهنگی و هنری دنیا بهتر معرفی کرد و چطور می‌توان آن را به روندی پویا و نبضی پرتپش تبدیل کرد که در مسیر سفرش از گذشته‌های دور به امروز

هویت و اصالتش حفظ شود و به فراموشی سپرده نشود (Bloury, 2013: 4). هرچند طیف بحث در این حیثه بسیار بزرگ‌تر از گنجایش تحقیق حاضر است. در این پژوهش تنها به ارزیابی شاخصه‌های شهرخلاق در سطح مناطق شهر قزوین که یکی از شهرهای مستعد خلاقیت می‌باشد، پرداخته شده است. شهر قزوین در حوزه مرکزی ایران، با مساحتی معادل ۶۴/۱۳۲ کیلومترمربع و جمعیتی بالغ بر ۳۸۱۵۹۸ نفر واقع گشته است. می‌توان گفت قزوین یکی از شهرهای بزرگ ایران در باختر و مرکز استان و شهرستان قزوین است.

با نگاهی گذرا بر موارد ذکر شده می‌توان گفت وجود دانشگاه‌های بین‌المللی امام خمینی (ره) و آزاد اسلامی قزوین، توسعه و پیشرفت در زمینه رباتیک و فن‌آوری‌های نو، الگوهای نو فرهنگی در این شهر که از دیرباز به‌عنوان شهری پیشرو در صنعت فرهنگی و هنری خود را در عرصه ملی مطرح نموده است، خود منجر به ظهور طبقه‌ای جدید در شهر تحت عنوان "طبقه خلاق" می‌شود که این طبقه و حتی بعضاً سایر شهروندان بنا بر نظریه‌های پایه فلوریدا و لندری نیازمند فضاهایی جدید و خلاقانه در شهر می‌باشند. در همین راستا این پژوهش در پی آن است که ضمن بررسی شاخص‌های شهرخلاق و بررسی وضعیت فعلی قزوین به‌عنوان یک شهرخلاق به شناسایی و تحلیل میزان انطباق مناطق سه‌گانه شهر قزوین با این شاخص‌ها پرداخته و در راستای هدف اصلی تحقیق شاخص‌های شهرخلاق را در مناطق ۳ گانه شهر قزوین توسط ۳ فرضیه بر آمده از سؤال‌های زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و در نهایت راهکارها و پیشنهادهایی در راستای نیل به شهرخلاق ارائه خواهد شد.

۱. سطح برخورداری مناطق سه‌گانه شهر قزوین از نظر شاخص‌های شهرخلاق چگونه است؟
۲. نقش فضاهای باز و عمومی مناطق شهر قزوین در ارتقاء شاخص‌های شهرخلاق چگونه است؟
۳. آیا شهر قزوین در طی سال‌های اخیر به سمت شاخص‌های شهرخلاق حرکت کرده یا فاصله گرفته است؟

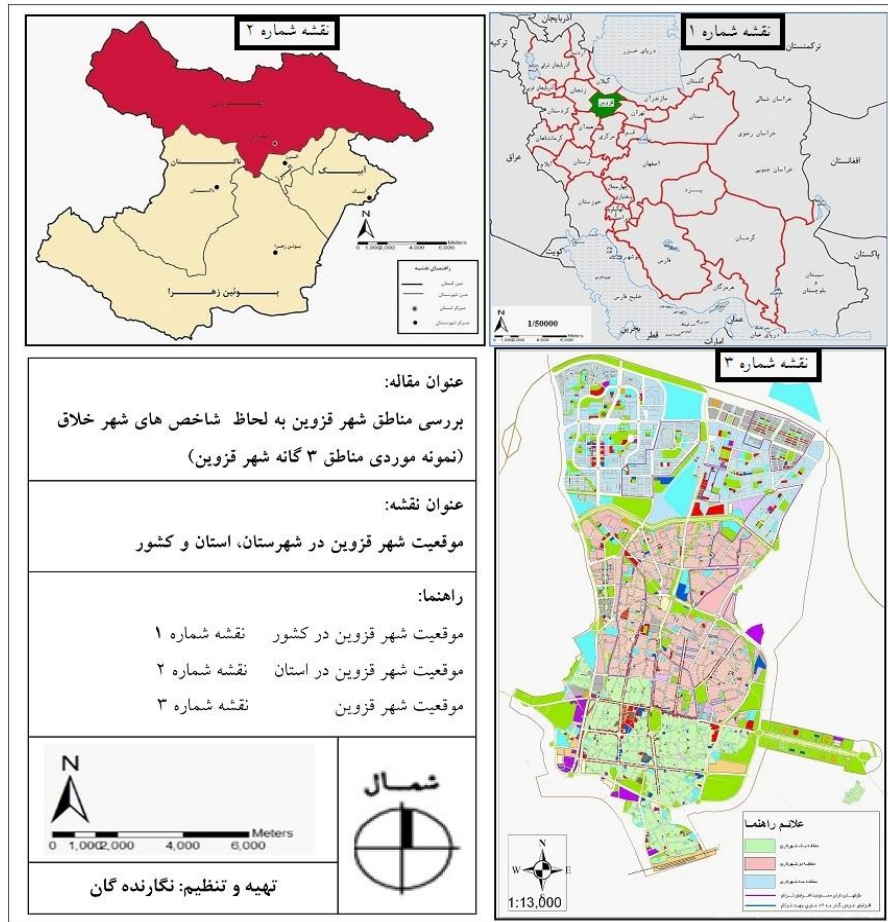
روش پژوهش

این تحقیق از نوع کاربردی و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. مراد از توصیفی بودن تحقیق این است که با استفاده از اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای و مراجعه به سازمان‌ها و ارگان‌های مسئول اطلاعات لازم را جمع‌آوری و در نهایت محقق با حضور در عرصه، از طریق پرسشگری و بازدید میدانی، اطلاعات محل مورد مطالعه را با استفاده از روش‌های خاص مطالعه موردی، گردآوری نماید. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای، میدانی، اسنادی، توصیفی و تحلیلی است. در روش کتابخانه‌ای عمده‌تأ از متن خوانی و استفاده از فیش‌برداری برای خلاصه کردن مطالب و برای استخراج داده‌های آماری و اطلاعات کمی از ابزار جدول و فرم استفاده خواهد شد. در روش میدانی از ابزارهای پرسش‌نامه، مصاحبه، مشاهده برای گردآوری اطلاعات استفاده خواهد شد. ابزار گردآوری اطلاعات برای بررسی معیارهای شهرخلاق شامل ۱۲ شاخص شهرخلاق می‌باشد که از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالنامه‌های آماری، شهرداری‌ها، مراکز آموزش عالی، پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش را ساکنان مناطق سه‌گانه شهر قزوین تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها ۳۸۰۰۰۰ هزار نفر هست. برای تعیین حجم نمونه این پژوهش از فرمول کوکران استفاده خواهد شد؛ و مقدار دقت احتمالی آن 0.05 و مقدار p (احتمال وجود صفت) 0.05 و مقدار q (احتمال عدم وجود صفت) نیز 0.5 در نظر گرفته شده است. در آن مقدار درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول $(t=1/96)$ در نظر گرفته شده است. همچنین مقدار $N=380000$ نفر می‌باشد که حجم نمونه به‌دست‌آمده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر می‌باشد. با توجه به ماهیت تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و کمی از نرم‌افزارهای SPSS، Excel استفاده خواهد شد. سپس با استفاده از مدل‌های TOPSIS و AHP به رتبه‌بندی مناطق و تعیین ضریب اهمیت هر یک از معیارها پرداخته و در نهایت فرضیه‌های مطرح شده آزمون سنجی خواهند شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

منطقه مورد مطالعه شامل شهر قزوین و حومه آن با مساحت ۱۰۴۶۴ هکتار در مختصات جغرافیایی ۴۹ درجه و ۵۶ دقیقه و ۵۴ ثانیه تا ۵۰ درجه و ۳ دقیقه و ۳۶ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه و ۲۵ ثانیه تا ۳۶ درجه و ۲۰ دقیقه و ۳ ثانیه عرض

شمالی در استان قزوین و شهرستان قزوین واقع شده است. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه در نقشه شماره ۱، ارائه شده است. همان طور که در نقشه زیر نشان داده شده است. شهر قزوین به ۳ منطقه تقسیم شده که منطقه ۱ معادل ۱۰۶۰.۱۳ هکتار مساحت دارد؛ که جمعیتی بالغ بر ۱۰۴۳۶۰ نفر دارد. منطقه ۲ بزرگترین منطقه شهری است که با مساحت ۱۳۱۲/۴۵ هکتار حداقل شمال محور طالقانی و جنوب شرق بلوار معلم را تحت پوشش خود دارد. جمعیت آن نیز ۱۵۸۶۹۹ نفر می باشد. منطقه ۳ جمعیتی بالغ بر ۱۱۸۵۳۹ دارد و مساحت این منطقه شهری ۱۳۰۰ هکتار می باشد و به نوعی وسیعترین منطقه شهری قزوین است.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه نسبت به شهر، استان و کشور

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

در این پژوهش به بررسی شاخص‌های شهرخلاق با ۱۲ فاکتور فرهنگ و هنر، فضای جمعی، مراکز علمی و مؤسسات عالی، مناظر شهری، هویت شهری، مقیاس، دانش شهروندان، گسترش علم و هنر، مشارکت، سرزندگی و پویایی فضاهای شهری، کارایی و اثربخشی و فن‌آوری ارتباطی و شناسایی این شاخص‌ها در شهر قزوین پرداخته شده است؛ و برای بررسی از داده‌هایی ثانویه که به صورت میدانی از ارگان‌ها و مراکز مربوطه جمع‌آوری گردیده به همراه داده‌های به دست آمده از پرسشنامه استفاده شده است. ابتدا داده‌هایی لازم برای تحلیل که از طریق سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه قابل ارائه بود و در این تحقیق داده‌های ثانویه نامیده می‌شوند جمع‌آوری گردید؛ بنابراین تمامی شاخص‌های لازم جهت تحلیل و سطح‌بندی مناطق در گروه‌های خود طبقه‌بندی گردیدند. مجموعه شاخص‌های مطرح شامل ۶ شاخص اصلی (فرهنگ و هنر، فضای جمعی، مراکز دانشگاهی، مناظر شهری،

هویت شهری و مقیاس) و ۳۲ زیر شاخصه مطابق آنچه در جدول (۱)، مشخص است می‌باشند؛ که ۶ شاخصه از ۱۲ شاخصه لازم را جهت سطح‌بندی مناطق ۳ گانه در اختیار قرار می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات ثانویه شاخصه‌های اصلی شهرخلاق در مناطق ۳ گانه شهر قزوین^۱

شاخصه	شاخصه خلاق	فعالیت	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳
	موسیقی	آموزشگاه موسیقی	-	۱۱	-
		فروشگاه و تولیدکننده موسیقی	۶	۱۳	-
فرهنگ و هنر	فیلم و سینما، تئاتر	سالن سینما	۱	۳	۱
		سالن تئاتر	۲	-	۲
		آموزشگاه سینما و فیلم	-	۵	-
	ادبیات	تعداد انتشارات	۲	۲۶	۹
		تعداد مطبوعات	۱۲	۱۸	۱
		تعداد کتاب‌فروشی	۹	۱۲	۱
		کتابخانه	۳	۸	۳
	تغذیه	انجمن‌های ادبی	-	۱	-
		رستوران‌ها	۷	۲۱	۴
		سفره‌خانه سنتی	۴	۴	۱
		قهوه‌خانه و کافه‌ها	۲۹	۱۴	۱۴
		کبابی	۳۴	۲۳	۷
	صنایع دستی و هنرهای محلی	غذای فوری	۱۴	۴۳	۱۳
		موزه	۸	۲	-
		هنرهای تجسمی	۴	۱۰	-
		صنایع دستی (بافت)	۳	۱	-
		دوخت‌های سنتی	۶	۷	۱
		صنایع نساجی	۱	-	-
		کلیه زمینه‌های صنایع دستی و هنری	۴	۷	۱
		هنرهای تزئینی	۱	۱	۱
فضای جمعی		گالری‌های هنری	-	۳	-
		پارک‌ها	۱۱	۲۲	۸
		کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان	-	۱	۳
		کتابخانه‌ها	۳	۸	۳
مراکز دانشگاهی		فرهنگسراها و مراکز فرهنگی	۲	۵	۲
		(سراسری، آزاد، پیام نور، مؤسسات غیرانتفاعی و جامع علمی کاربردی)	۶	۱۵	۱۱
مناظر شهری		(نمادها، نشانه‌ها و تندیس‌ها)	۶	۱۸	۸
هویت شهری		عناصر هویت‌ساز (طبیعی، تاریخی و غیره..)	۲۴	۷	۲
مقیاس		جمعیت (درصد)	۲۷/۴۱	۴۱/۵۵	۳۱/۰۴
		مساحت (درصد)	۲۸/۸۸	۳۵/۷۳	۳۵/۳۹

در این بخش اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه در بخش دوم جهت تکمیل ۶ شاخص باقیمانده (افزایش دانش شهروندان، گسترش علم و هنر، مشارکت، سرزندگی و پویایی فضای شهری، کارایی و اثربخشی، فن‌آوری ارتباطی) برای سطح‌بندی مناطق ارائه گردیده‌اند؛ که با تکمیل این ۱۲ شاخصه، اطلاعات لازم جهت سطح‌بندی مناطق توسط مدل تاپسیس در بخش بعدی آماده‌شده است. همچنین با توجه به جدول (۲)، میزان خلاقیت هریک از این مناطق با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده و رتبه‌های

۱. اطلاعات ارائه شده در این بخش از ادارات، سازمان‌های مربوطه (علل‌الخصوص سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین و در نهایت بصورت میدانی بدست آمده‌اند. (این عناصر با توجه به پژوهش مختاری ملک‌آبادی و همکاران که به بررسی وضعیت خلاقیت شهر اصفهان پرداخته‌اند انتخاب گردیده‌اند).

آنان یادداشت گردیده‌اند. در مجموع این بخش منطقه ۲ با میانگین ۲/۹۲ از ۵ در رتبه ۱، منطقه ۱ با میانگین ۲/۸ از ۵ در رتبه دوم و در نهایت منطقه ۳ با میانگین ۲/۷۸ از ۵ در رتبه سوم قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. جمع‌بندی اطلاعات حاصله از پرسش‌نامه جهت سطح‌بندی مناطق سه‌گانه

منطقه	افزایش دانش شهروندان			گسترش علم و هنر			مشارکت			سرزندگی فضای شهری			کارایی و اثربخشی			فناوری ارتباطی			خلاصیت
	رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	
۱	۳	۲/۸۸	۹۳	۳	۲/۹۸	۹۳	۳	۱/۹۵	۹۳	۲	۳/۰۸	۹۳	۲	۲/۸۹	۹۳	۲	۳/۰۶	۹۳	۲/۸
۲	۱	۳/۰۸	۱۸۸	۲	۳/۱	۱۸۸	۱	۲/۰۸	۱۸۸	۱	۳/۱	۱۸۸	۱	۳/۰۲	۱۸۸	۱	۳/۱۶	۱۸۸	۲/۹۲
۳	۲	۲/۹۸	۹۰	۱	۳/۱۳	۹۰	۲	۲/۰۷	۹۰	۳	۲/۶۹	۹۰	۳	۲/۸۵	۹۰	۳	۲/۹۶	۹۰	۲/۷۸
مجموع	-	۲/۹۸	۳۷۱	-	۳/۰۷	۳۷۱	-	۲/۰۳	۳۷۱	-	۲/۹۶	۳۷۱	-	۲/۹۲	۳۷۱	-	۳/۰۶	۳۷۱	۲/۸۴

یافته‌های تحلیلی

فرضیه اول: مناطق سه‌گانه شهر قزوین به یک اندازه از شاخص‌های شهرخلاق برخوردار نیستند.

جهت سنجش این فرضیه ابتدا توسط تکنیک تاپسیس، مناطق شهر قزوین با استفاده از آمارهای ارائه‌شده در جداول (۱) و (۲)، سطح‌بندی شده‌اند. همان‌طور که در جدول (۳)، مقدار ضریب نزدیکی هر یک از مناطق نشان داده‌شده است طوری که هر چه مقدار به‌دست‌آمده زیادتر باشد اهمیت آن گزینه نسبت به سایر گزینه‌ها بیشتر است. با توجه به ماهیت این فرضیه یعنی تفاوت مناطق در برخورداری از شاخص‌های شهرخلاق می‌توان این‌گونه به تفسیر نتایج پرداخت. منطقه ۲ با مقدار ۰/۶۵۹۵ در رتبه اول خلاصیت و برخورداری، منطقه ۱ با ۰/۵۵۵۸ در رتبه دوم خلاصیت قرار گرفته و نیمه برخورداری و در نهایت منطقه ۳ با ۰/۱۱۴۹ در رتبه ۳ به لحاظ خلاصیت شهری در بین مناطق سه‌گانه قرار گرفته و در سطح پایینی به لحاظ خلاصیت قرار دارد. بنا بر نتایج به‌دست‌آمده می‌توان فرضیه فوق را تأیید کرد.

جدول ۳. نتایج وضعیت مناطق به لحاظ برخورداری از شاخص‌های شهرخلاق با استفاده از مدل Topsis

ردیف	نتیجه	ضریب نزدیکی	وضعیت
۱	منطقه ۲	۰/۶۵۹۵	برخورداری
۲	منطقه ۱	۰/۵۵۵۸	نیمه برخورداری
۳	منطقه ۳	۰/۱۱۴۹	فرو برخورداری

فرضیه دوم: بین وضعیت خلاصیت شهری با میزان فضاهای باز و جمعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

برای انجام این آزمون ابتدا میزان خلاصیت با استفاده از اطلاعات میدانی جمع‌آوری‌شده از ۱۲ شاخصه شهرخلاق موردبررسی در این پژوهش محاسبه و در امتداد آن شاخصه فضاهای باز و جمعی سطح شهر در چهار زیر شاخصه (کتابخانه‌ها، بوستان‌ها، کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان و فرهنگسراها و مراکز فرهنگی) نیز جداگانه به‌دست‌آمده است؛ که برای سنجش این فرضیه از نرم‌افزار SPSS و آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده‌شده است. با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن، ابتدا معنی‌داری این رابطه سنجیده شد. نتیجه صفر چون کمتر ۰/۰۵ است و این مقدار به این معنی است که بین دو شاخصه مورد آزمون رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتیجه آزمون در قسمت مقدار همبستگی بین خلاصیت با میزان فضاهای جمعی و باز ۰/۵۴۲ می‌باشد. (جدول ۴) با توجه به اینکه در آزمون همبستگی اسپیرمن هر چه مقدار به‌دست‌آمده بالاتر از صفر و نزدیک به ۱ باشد، میزان همبستگی تشدید خواهد شد؛ بنابراین چون این مقدار بالای ۰/۵ و نزدیک به ۱ است؛ بنابراین باوجود همبستگی بالای بین دو شاخصه فرضیه حاضر تأیید می‌گردد.

جدول ۴. نتیجه آزمون همبستگی اسپیرمن بین خلاقیت و میزان فضاهای جمعی و باز

خلاقیت	فضاهای جمعی و باز		
**./۵۴۲	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	آزمون همبستگی اسپیرمن
۰/۰۰۱	.	سطح معناداری	
۳۷۱	۳۷۱	تعداد پاسخ	
۰/۰۰۱	**./۵۴۲	ضریب همبستگی	
.	۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۳۷۱	۳۷۱	تعداد پاسخ	

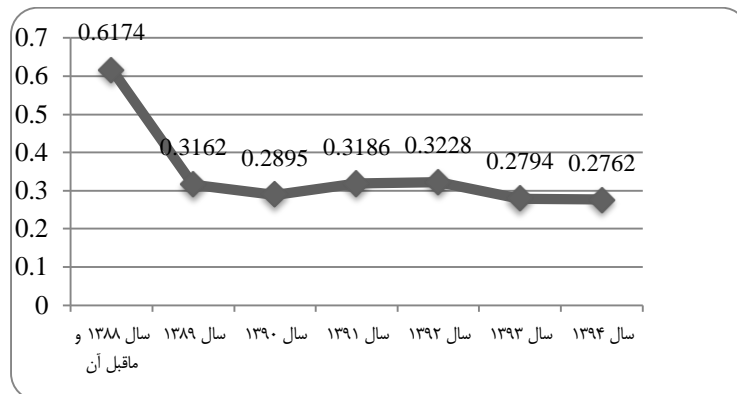
فرضیه سوم: شهر قزوین طی چند سال گذشته به سمت انطباق بیشتر با معیارهای شهر خلاق حرکت نموده است. جهت سنجش این فرضیه ابتدا توسط تکنیک تاپسیس در تبیین روند خلاقیت شهر قزوین طی سال‌های گذشته، استفاده گردیده است. داده‌های اولیه جهت سنجش توسط مدل تاپسیس در جدول (۵)، ارائه شده‌اند. همان‌طور که در شکل (۲)، نتایج به دست آمده نشان داده شده‌اند، می‌توان نتایج را این‌گونه تفسیر کرد. سال ۱۳۸۸ و قبل از آن با مقدار ۰/۶۱۷۴ در رتبه اول خلاقیت، سال ۱۳۹۲ با ۰/۳۲۸۸ در رتبه دوم خلاقیت قرار گرفته، سال ۱۳۹۱ با ۰/۳۱۸۶ در رتبه سوم، سال ۱۳۸۹ با ۰/۳۱۶۲ در رتبه چهارم، سال ۱۳۹۰ با ۰/۲۸۹۵ در رتبه پنجم، سال ۱۳۹۳ با ۰/۲۷۹۴ در رتبه ششم خلاقیت و در نهایت سال گذشته یعنی سال ۱۳۹۴ با ۰/۲۷۶۲ در رتبه آخر به لحاظ خلاقیت شهری در بین سال‌های مورد مطالعه قرار گرفته و در سطح پایینی به لحاظ خلاقیت قرار دارد. در مجموع می‌توان گفت که روند خلاقیت در شهر قزوین به لحاظ رویدادها و فعالیت‌های فرهنگی و هنری طی سال‌های گذشته جدا از سال ۱۳۹۲ سیر نزولی داشته است. هر چند که کماکان فعالیت‌ها ادامه داشته است.

جدول ۵. اطلاعات رویدادها و تولیدات فرهنگی هنری شهر قزوین تا سال ۱۳۹۴

شاخصه	سال ۱۳۹۴	سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۲	سال ۱۳۹۱	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۸۹	سال ۸۸ و قبل از آن
موزه‌ها	۱	-	۱	۱	-	-	۷
تعداد بازدیدکنندگان از موزه‌ها و بناهای تاریخی	۴۵۱۱۳۲	۴۴۶۵۸۹	۴۳۰۶۷۰	۳۷۱۰۲۱	۳۴۹۳۱۶	۳۰۹۷۸۰	۴۴۹۲۶۰
بوستان‌ها	۱	-	-	-	-	۱	۳۹
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی	-	۱	-	۵	۱	۳	۱۷
فیلم‌های تولید شده	۳۹	۵	۵۰	۲۱	۲۴	۲۵	-
تعداد تئاترهای تولید شده	۱۵	۳۵	۱۱۶	۷۱	۷۷	۱۱۶	-
تعداد موسیقی‌های تولید شده	۱۷	۴۴	۹۴	۵۱	۴۹	۴۱	-
تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده	۲۱۰	۳۶۴	۲۷۰	۱۸۷	۲۴۰	۲۲۱	-
تعداد عناوین نشریات منتشر شده	۳۹	۳۹	۴۱	۴۰	۳۹	۳۷	۴۸
تعداد عناوین مجلات انتشار یافته	۴۰	۴۳	۴۹	۵۰	۵۹	۶۹	۱۸
انجمن ادبی	-	-	-	-	-	-	۱
تعداد جشنواره‌ها و همایش‌ها	۱۰	۱۵	۳۹	۳۵	۵۰	۳۲	-
تعداد نمایشگاه‌ها	۱۷۴	۷۳	۷۵	۱۷۶	۶۵	۱۵۲	-

Source: Qazvin Culture office, Statistics and information unit, 2015

در نهایت با تأکید بر نتایج بالا می‌توان معنی‌داری فرضیه حاضر مبنی بر اینکه شهر قزوین طی چند سال گذشته به سمت انطباق بیشتر با معیارهای شهر خلاق حرکت نموده است. را رد کرد. چون جدای از روند نزولی در طی سال‌های ۹۳ و ۹۴ در دستیابی به معیارهای شهر خلاق در قزوین، در سال‌های قبل از ۹۲ نیز آن‌چنان افزایشی مشاهده نشده است. به تأکید می‌توان گفت. این روند بیشتر ساکن یا نزولی بوده است.



۲. روند حرکت شهر قزوین به سمت انطباق با معیارهای شهرخلاق در طی سال‌های گذشته

نتیجه‌گیری

شهر قزوین برای قرارگیری در زمره شهرهای خلاق ایران از چند جنبه قابل بررسی بوده است که مهم‌ترین آن‌ها موقعیت خاص قزوین نسبت به بزرگراه‌های مواصلاتی، سابقه طولانی صنعت در شهر و وجود نیروهای ماهر، رشد و توسعه صنعتی، شهر قزوین محلی بوده که کاروان‌های زیارتی، سیاحتی و تجارتي و همین‌طور لشکرهای جنگی برای رسیدن به اکثر شهرهای دیگر ایران باید از آن عبور می‌کردند و وجود دانشگاه‌های بین‌المللی امام خمینی (ره) و آزاد اسلامی قزوین، توسعه و پیشرفت در زمینه رباتیک و فن‌آوری‌های نو، الگوهای نو فرهنگی می‌باشند؛ بنابراین می‌توان گفت: چنین شهری به واسطه موقعیت خود زمینه مناسبی جهت تبدیل به شهرخلاق را دارد. در همین راستا اطلاعات میدانی از سازمان‌ها و ادارات مربوطه اخذ و همچنین نزدیک به ۳۸۰ پرسش‌نامه نیز پر گردید؛ و با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده در بخش‌های پرسش‌نامه و اطلاعات میدانی، داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS، TOPSIS و AHP تجزیه و تحلیل و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده فروض مطرح‌شده آزمون‌سنجی گردیدند. تا نتایج به شرح زیر به دست آید.

- مناطق شهر قزوین به لحاظ شاخص‌های شهرخلاق یکسان نیستند.

منطقه ۲ با مقدار ۰/۶۵۵۹ رتبه ۱ خلاقیت را در بین ۳ منطقه شهر قزوین کسب کرد؛ و منطقه سطح بالا به لحاظ شاخص‌های شهرخلاق لقب گرفت. این منطقه در مرکز شهر قزوین قرار گرفته است و با توسعه شهر قزوین و اهمیت حفظ بافت قدیمی و تاریخی منطقه ۱، این منطقه جهت تمرکز فعالیت‌های فرهنگی و هنری، فضاهای جمعی و باز، مناظر شهری و مراکز دانشگاهی انتخاب گردیده است، در نهایت نمی‌توان از پتانسیل‌های موجود این منطقه جهت تعالی خلاقیت شهر قزوین غافل ماند.

منطقه ۱ با مقدار ۰/۵۵۵۸ رتبه ۲ خلاقیت را در بین ۳ منطقه شهر قزوین کسب کرد؛ و منطقه سطح متوسط به لحاظ شاخص‌های شهرخلاق لقب گرفت. این منطقه به لحاظ دارا بودن غالب عناصر هویت‌ساز شهری قزوین (طبیعی، تاریخی و ...) سالانه گردشگران و علاقه‌مندان زیادی را از سراسر ایران و جهان در خود پذیرا بوده است. می‌توان گفت: این منطقه از شهر قزوین به نوعی اعتبار و اهمیتی جهانی را برای این شهر کسب کرده است.

منطقه ۳ با مقدار ۰/۱۱۴۹ رتبه ۳ خلاقیت را در بین ۳ منطقه شهر قزوین کسب کرد؛ و منطقه سطح پائین به لحاظ شاخص‌های شهرخلاق لقب گرفت. این منطقه که از قدمت زیادی برخوردار نیست و در سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده و دور جدیدی از شهرنشینی را در خود تنیده است. این منطقه از شهر فضاهای آموزشی از جمله دانشگاه‌ها و مراکز تولید علم را در خود جذب کرده است همچنین فضاهای جمعی و باز نیز در سراسر منطقه به چشم می‌خورد در کل می‌توان گفت: در صورت توجه بیشتر و لحاظ تمهیدات لازم از سوی مسئولین و جمعیت خلاق ساکن امکان گریز از موقعیت کنونی فراهم است.

- بین وضعیت خلاقیت شهر قزوین با میزان فضاهای باز و جمعی سطح شهر، رابطه وجود دارد.

با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن، مقدار همبستگی بین خلاقیت با میزان فضاهای جمعی و باز سنجیده شد و مقدار به‌دست‌آمده ۰/۵۴۲ می‌باشد. چون این مقدار بالای ۰/۵ و نزدیک به ۱ است. فرضیه حاضر تأیید می‌گردد. در کل می‌توان گفت: افزایش تعداد فضاهای باز و جمعی سطح شهر، تأثیر مستقیمی در خلاقیت شهر قزوین دارد و این شاخصه را می‌توان جزء شاخصه‌های هدف جهت تقویت وضعیت خلاقیت برشمرد.

- شهر قزوین در سال‌های اخیر به سمت خلاقیت حرکت کرده است.
- نتایج این بخش، یعنی تبیین روند خلاقیت شهر قزوین بر اساس شاخصه‌های شهرخلاق را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد. سال ۱۳۸۸ و قبل از آن با مقدار ۰/۶۱۷۴ در رتبه اول خلاقیت، سال ۱۳۹۲ با ۰/۳۲۸۸ در رتبه دوم خلاقیت قرار گرفته، سال ۱۳۹۱ با ۰/۳۱۸۶ در رتبه سوم، سال ۱۳۸۹ با ۰/۳۱۶۲ در رتبه چهارم، سال ۱۳۹۰ با ۰/۲۸۹۵ در رتبه پنجم، سال ۱۳۹۳ با ۰/۲۷۹۴ در رتبه ششم خلاقیت و در نهایت سال گذشته یعنی سال ۱۳۹۴ با ۰/۲۷۶۲ در رتبه آخر به لحاظ خلاقیت شهری در بین سال‌های مورد مطالعه قرار گرفته و در سطح پایینی به لحاظ خلاقیت قرار دارد. در مجموع می‌توان گفت: با توجه به نتایج به دست آمده در این بخش نوعی عدم ثبات در فعالیت‌های فرهنگی و هنری دیده می‌شود و این نشان از آن دارد که برنامه مشخصی از سوی مسئولین مدیریت شهری قزوین در راستای خلاق سازی شهر وجود نداشته است اما از بین همه ریز شاخصه‌های بررسی شده در این قسمت، امتیاز فضاهای باز و عمومی و دانشگاه‌ها بیشتر بوده و جهت توجه بیشتر پیشنهاد می‌گردند.
- زمینه غالب خلاقیت شهر قزوین با توجه به نتایج به دست آمده کدامیک از زمینه‌های مورد مطالعه بوده است؟
- بعد از بررسی و تحلیل کلیه شاخصه‌های مطرح شده که در این پژوهش با استفاده از آن‌ها سطح‌بندی مناطق سه‌گانه انجام گردیده است، می‌توان این‌گونه پیشنهاد کرد که: مدیران شهر قزوین جدای از متوجه شدن کمبودهای شهر در شاخصه‌های گوناگون می‌توانند سرآمدترین شاخصه را جهت سرمایه‌گذاری‌های بعدی در دستور کار قرار دهند. در این پژوهش شاخصه فرهنگ و هنر که در نتایج به دست آمده به‌عنوان شاخصه سرآمد معرفی شده و در این بین می‌توان با تقویت ریز شاخصه‌هایی چون شاخصه خلاق ادبی که تقریباً امتیاز بالایی گرفته است راه را برای ورود شهر قزوین به شبکه شهرهای خلاق هموار کرد.
- در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده در فوق پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه نمود:
 - ترویج مشارکت فعالانه و کمک به ارتقاء روحیه مشارکت و همکاری از طریق جذب ساکنین در تشکلهای محلی و غیردولتی.
 - برنامه‌های آموزشی خلاقانه در سیستم آموزش عمومی، روش مؤثری برای تشویق جوانان برای حل مسئله و تفکر خلاقانه است.
 - پاک‌سازی بناهای فرسوده اطراف بناهای واجد ارزش برای بهتر نمودن کریدور بصری و امکان ایجاد نمایشگاه‌های خیابانی در کنار این بناها و برگزاری کنسرت‌ها و جشنواره‌های همه‌شمول در شهر و فضاهای شهری.
 - تقویت و بهسازی کافه‌ها، رستوران‌های، قهوه‌خانه‌های سنتی، کافی‌شاپ‌ها و دیگر مراکز تغذیه‌ای سطح شهر.
 - اعطای مجوزهای قانونی جهت اجرای جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها در سطح شهر.
 - فراهم کردن ملزومات مالی و زیرساخت‌های فرهنگی و هنری، جهت برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری.
 - برگزاری سالانه نمایشگاه‌های بزرگ کتاب در سطح شهر.
 - توجه ویژه به ویژگی‌های فرهنگی و بومی مردم و همچنین تلاش برای حفظ این ویژگی‌ها و فرهنگ‌ها در رویکرد خلاقیت.
 - استفاده از هنرمندان و مفاخر شهر قزوین و نمود آثار هنری و هنری آنان در منظر شهر.
 - شناسایی کلیه روزه‌های نهفته هنرهای دستی و میراث محلی شهر قزوین و برگزاری نمایشگاه‌ها و هزینه‌سراة خدمات آموزشی.
 - ترغیب مردم جهت حضور در فضاهای شهری با طراحی فضاهایی مشوق حضور مردم (فعالیت‌های جذابی چون تئاتر خیابانی، برگزاری مراسم‌های مذهبی، جشنواره‌ها، نمایشگاه‌های فصلی، نقاشی دیواری و...)
 - اعمال سیاست‌های تشویقی برای تقویت عملکردهای اقتصادی موردنیاز و دارای ظرفیت توسعه خلاقانه در بافت شهر.
 - تزریق عملکردهای اقتصادی نوین و صنایع هنری و فرهنگی و خلاق در بافت و نماد تجاری.
 - تقویت صنعت گردشگری خلاق با استفاده از بناها و آثار تاریخی فراوان با ارزش در محدوده تاریخی شهر.
 - افزایش حمایت از بخش‌هایی که مورد توجه بین‌المللی هستند: حمایت از مواردی مانند صنایع خلاق، صنایع طراحی خلاق، موسیقی، فعالیت‌های فرهنگی و غیره.
 - اتخاذ سیاست‌های مشوق مالیاتی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر.
 - ایجاد بستری برای افزایش آگاهی شهروندان به منظور بهره‌جستن از انرژی‌های پاک در معماری خانه‌ها.
 - توسعه و اصلاح بافت‌های تاریخی شهرها برای ایجاد خلاقیت در آن‌ها.
 - استفاده از فضاهای شناسایی شده خالی از فعالیت و کاربری درون بافت.
 - خلق فضاهای شهری با ظرفیت جذب و نگهداری طبقات خلاق شهری.

- تنظیم یک چشم‌انداز مثبت برای زمان شب، با همگرایی نظرات همه گروه‌های ذینفع و کمک گرفتن از سیاست‌هایی با روند بلندمدت و کوتاه‌مدت.
- افزایش تبلیغات شهری و رسانه‌ای برای ایجاد فرهنگ‌سازی در زمینه خلاقیت در شهر.
- تلاش برای تبدیل نقش شهر قزوین از عبوری بودن به مقصد سفر بودن و ارتقاء نقش گردشگری شهر.
- تلاش مدیران برای متقاعد کردن مردم درباره اهمیت مشارکت و ایده پردازی آنان در برنامه‌ریزی مسائل شهری؛
- اعطای وام و کمک‌هزینه جهت تقویت زیرساخت‌های رفاهی و خدماتی در سطح شهر از جمله: هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، مهمان‌پذیرها، هتل آپارتمان‌ها و دیگر مراکز اقامتی در سطح شهر جهت رفع دغدغه‌های مسافران و گردشگران.
- استفاده از مشارکت مردمی در راستای اولویت دادن به سهم حضور مردم در ساخت شهری خلاق.

References

- AkbariMotlagh, M. (2013). Creative aspects of the theory and its impact on sustainable urban development with an emphasis on international experiences. *National Conference on sustainable architecture and urban development*, enterprise structures desert, Bukan, Iran. (In Persian)
- Andersson, Å. E., & Andersson, D. E. (2015). Creative Cities and the New Global Hierarchy. *Applied Spatial Analysis and Policy*, 8 (3), 1-18 .
- Ashtary, H., Mahdnzhad, H. (2012). Creative class and creative city "to order the Department of Social and Cultural Studies in Tehran. *Tissa Publications*, Tehran. Iran. (In Persian)
- Bandarin, F. (2012). Series on Urban Creativity Forum. *City, Culture and Society*, 3 (4), 327-328 .
- Bloury, M. (2013). The role of new media in the city's creative approach. *First National Conference of creative ideas and challenges in Iran*, Qeshm, Iran. (In Persian)
- Catungal, J. P., & Leslie, D. (2009). Contesting the creative city: race, nation, multiculturalism. *Geoforum*, 40 (5), 701-704 .
- Clark, T. N. (2004). Urban amenities: lakes, opera, and juice bars: do they drive development? Clark, Terry Nichols (2004) The city as an entertainment machine. *research and urban policy*, 9, 103-140 .
- Csikszentmihalyi, M. (1997). Flow and the Psychology of Discovery and Invention. *HarperPerennial*, New York .
- Currid, E. (2006). New York as a global creative hub: A competitive analysis of four theories on world cities. *Economic Development Quarterly*, 20 (4), 330-350 .
- Dahlman, C. T., Renwick, W. H., & Bergman, E. (2013). *Introduction to Geography: People, Places & Environment*: Prentice Hall.
- Donovan, P. J., & Batabyal, A. A. (2015). On economic growth and investment income taxation in a creative region. *International Review of Economics & Finance*, 38, 67-72 .
- Duxbury, N. (2010). Creative cities in Canada. Translator: Farzinpak, Sh. *Municipal educational research journal*, 100, 76- 83. (In Persian)
- Faggian, A., Comunian, R., & Li, Q. C. (2014). Interregional migration of human creative capital: The case of Bohemian graduates. *Geoforum*, 55, 33-42.
- GhafeleMobarakeh, P. (2013). Etymology and terminology creativity. *First National Conference on Shhrkhlq: ideas and challenges in Iran*, Qeshm, Iran. (In Persian)
- Ghorbani, R., Hossein-Abadi, S., & Turani, A. (2013). Creative cities, cultural approach in urban development. *Arid regions Geographic Studies*, 3 (11), 1-18. (In Persian)

- Grimm, N. B., Faeth, S. H., Golubiewski, N. E., Redman, C. L., Wu, J., Bai, X., & Briggs, J. M. (2008). Global change and the ecology of cities. *science*, 319 (5864), 756-760 .
- Ibrahimi, M. (2008). Creative City Summit: Implications - policies, case studies of successful and unsuccessful cities. *Tehran Urban Planning Center*, July, Tehran: Niavaran Community center. (In Persian)
- Jakob, D. (2010). Constructing the creative neighborhood: Hopes and limitations of creative city policies in Berlin. *City, Culture and Society*, 1(4), 193-198 .
- Javid, M.H., Hosianpour, S.H., & AkbariMotlagh, M. (2012). *Creative city strategic planning*. Tehran: Tahan Publications. (In Persian)
- Kagan, S., & Hahn, J. (2011). Creative cities and (un) sustainability: from creative class to sustainable creative cities. *Culture and Local Governance*, 3 (1), 11-27 .
- Kalantry, B., YariQuli, V., & Rahmati, A. (2012). Public space and creative city. *Journal of perspective*, 19, 74-78. (In Persian)
- Khosravy, N. (2010). Creative thinking, creative city. *Monthly municipalities (monthly planning and urban management)*. 11 (100), 113 114. (In Persian)
- Khosropour, S., Garmsiri, M. (2012). Space creative foresight and the next window. *Third Executive Management Conference*, the conference hall of the National Library, Tehran, Iran. (In Persian)
- Landry, C., & Bianchini, F. (1995). *The creative city*. Vol. 12, Demos.
- Li, S. (2005). *High tech spatial concentration human capital, agglomeration economies, location theories and creative cities*. University of Louisville .
- Markusen, A. (2006). *Cultural planning and the creative city*. Paper presented at the annual American Collegiate Schools of Planning meetings, Ft. Worth, TX.
- Meshkiny, A., Mahdznhad, H., Parhiz, F., & Khazaei, N. (2013). Role of City Theory creative in the dynamics of economic, cultural and urban life, *the first National Conference of creative ideas and challenges in Iran*, Qeshm. Iran. (In Persian)
- Meshkiny, A., Qaydrhmt, S., & Asgari, A.R. (2014). Comparative evaluation indicators in the metropolitan creative in Iran: A Case Study in Tehran and Isfahan. *First National Conference of creative and sustainable development*. Index Research Institute, Isfahan, Iran. (In Persian)
- Mokhtari, M. R., Saghaei, M., & Iman, F. (2014). Classification Of fifteen Regions in Isfahan city based on the creative city indicator using models in regional planning. *Research and Urban Planning Magazine*, 5 (16), 105-120. (In Persian)
- Pareja-Eastaway, M., & Pradel i Miquel, M. (2014). Towards the Creative and Knowledge Economies: Analysing Diverse Pathways in Spanish Cities. *European Planning Studies*(ahead-of-print), 1-19 .
- Qazvin Culture office. (2015). *Statistics and information unit*. Qazvin, Iran. (In Persian)
- Rafihyyan, M. (2010). Introduction to creative regions and cities. *Monthly municipalities (monthly planning and urban management)*. 11 (100), 12- 15. (In Persian)
- Rahimi, M; Mardali, M. and Daha, I. (2013). Creative City: theoretical principles and indicators. *City knowledge journal*. Center of Tehran Urban Planning, 196, August. (In Persian)
- Ratiu, D. E. (2013). Creative cities and/or sustainable cities: Discourses and Practices. *City, Culture and Society*, 4 (3), 125-135 .
- Richards, G., & Wilson, J. (2006). Developing creativity in tourist experiences: A solution to the serial reproduction of culture? *Tourism management*, 27 (6), 1209-1223 .

- Rosi, M. (2014). Branding or sharing?: The dialectics of labeling and cooperation in the UNESCO Creative Cities Network. *City, Culture and Society*, 5 (2), 107-110 .
- Sahidi, H. (2010). Creative City: An Interview with Bijan Kalhornia, Farhad Karimany and Hamed KamilNia. *Publication municipalities*, 11 (100). (In Persian)
- Sasajima, H. (2013). From red light district to art district: Creative city projects in Yokohama's Kogane-cho neighborhood. *Cities*, 33, 77-85 .
- Suciu, M.-C. (2009). Creative Economy and Creative Cities. *Romanian Journal of Regional science*, 3 (1), 82-91.
- Vanolo, A. (2015). The Fordist city and the creative city: Evolution and resilience in Turin, Italy. *City, Culture and Society*, 6 (3), 69-74.
- Ye, S. (2012). Research on Urban road traffic congestion charging based on sustainable development. *Physics Procedia*, 24, 1567-1572 .
- Zheng, J., & Chan, R. (2014). The impact of 'creative industry clusters' on cultural and creative industry development in Shanghai. *City, Culture and Society*, 5 (1), 9-22 .

How to cite this article:

Shamsi, K., Karkehabadi, Z. and Kamyabi, S. (2018). A review study of creative city with an emphasis on urban creativity assessment (Case study: Three districts of Qazvin). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13 (2), 425-441. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_543093_en.html

A review study of creative city with an emphasis on urban creativity assessment (Case study: Three districts of Qazvin)

Khezer Shamsi

Ph.D Candidate in Geography & Urban Planning, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Zeynab Karkehabadi*

Assistant Professor, Dep. of Geography and Urban Planning, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Saeid Kamyabi

Assistant Professor Dep. of Geography and Urban Planning, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Received: 03/02/2017

Accepted: 08/01/2018

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

In the era of postmodern, cultural economy plays an important role in economic development in the world. Thus, global cities in the framework of global economy are as nodes of networks, competing heavily, and try to improve their hierarchical structure. In this regard, since the mid-1990s, with the introduction of the idea of "creative city," this new strategy in the field of revitalization of the old industrial cities is a leading idea for urban and economic development planners. Creative city is a city that because of its aesthetic importance and its ability to cultivate perception and communication is respected; wherever cultural diversity is respected and expression of creativity in all its forms is encouraged. Iran cities also accommodate a wide range of facilities and services that attract creative capital, a fertile ground is provided for maintenance, and supply of life with relative prosperity, in order to attract this class is provided. However, the whole discussion in this area is much larger than the capacity of the research. In this paper, then the classification of the Qazvin city regions and determination of the importance of each criterion are addressed using the models of regional planning. In the end the test of measuring assumptions is performed for responding the proposed questions.

For the first time, Debore (1967) raised a discussion entitled "spectacular city or town show." The first one to put forward the argument of creative regions and cities is Richard Florida. He published his first book in 2002, called creative class, and then in 2005 released another book to strengthen its subject. In 2007, using language that was proposed by Richard Florida, Alan Scott raised issues in connection with the creative cities and regions. Creative city is a strong city in terms of culture and intercultural learning. In this city, every citizen is confident of his capacity to use scientific, technical, artistic, and cultural systems. Creative city theory tries to explain the qualities that make the image of a city nicer for citizens, and make its memories more lasting. To date, the creative cities network consists of 34 members, firstly from Europe, Latin America, and Asia. UNESCO is committed to encourage candidates from regions under representativeness of Africa and Arabic countries seeking to join the network.

It can be said with emphasis that Richard Florida's publishing two books, the rise of the Creative Class in 2002, and a part of the Creative Class (2005) have led to the great interest among economists and regional scientists in the analysis of the concept of the creative class and led to

*Corresponding Author:

Em ail: z.karkehabadi@yahoo.com

creative capital. He explains the creative class in detail as follows: a class that consists of people who produce economic value through their creativity.

Methodology

This is a practical research and its investigation method is descriptive-analytic. The method of information collection in this research is library, field, and documentary, descriptive and analytical method. Data gathering tools are for investigating the criteria of creative city including 12 indicators of creative city that are collected of general census of population and housing, statistical yearbooks, municipalities, higher education centers, science and technology parks, development centers and relevant organizations and institutions. The software SPSS and EXCEL are used with regard to the nature of research for analyzing statistical and quantitative data. Then the classification of the regions and determination of the importance of each criterion are addressed using the models of regional planning. In the end the test of measuring assumptions is performed for responding the proposed questions.

Results and discussion

In this study, the indicators of creative city with 12 factors of culture and art, public space, science centers and higher education, urban landscapes, urban identity, scale, knowledge of citizens, development of science and art, participation, vitality and dynamism of urban spaces, performance and the effectiveness and communication technologies and identifying these indicators are discussed in Qazvin. To review, secondary data collected on the field of organizations and relevant institutions, as well as data obtained from questionnaires are used.

First, the required data for analysis that was presented through the related organizations and was called secondary data in this research were collected. Therefore, all required indices were categorized for analyzing and classifying the areas in their groups. The set of proposed indicators include 6 main indicators (culture and art, collective space, academic centers, urban landscapes, urban identity and scale) and the 32 sub-indices, than give 6 of the 12 indicators required for rating the triple areas.

In this section, the information obtained from the questionnaire was presented in the second part to complete the remaining 6 indicators (increase of knowledge of citizens, development of science and art, participation, vitality and dynamism of urban space, efficiency and effectiveness, communication technology) for leveling the regions. By completing these 12 indicators, the information needed to measure the assumptions presented in the next section was prepared.

Conclusion

The test of measuring assumptions is performed for responding the proposed questions. By the obtained results, it can be concluded that the first hypothesis, that was based on the principle that the results of creativity in the triple areas are different with each other, is confirmed using the performed test of the proposed assumption. The second hypothesis that measured the correlation between urban creativity and collective and open spaces via spearman's test is also confirmed with a high weight. Finally, the third hypothesis that Qazvin city has moved towards more adaption to the criteria of creative city during the past few years is rejected in terms of significance using the data obtained by Topsis technique. Finally, among the three hypotheses, 2 hypotheses are confirmed and 1 is rejected.

Key words: Indicator, creative city, quantitative models, Public space and collective, Qazvin city